

ادراک محیط

نقش نسبیت‌های روانشناختی در فهم محیط

به‌طور کلی لذت مردم از یک منظره در شهر یا استقبال از یک فضای شهری، احساس رضایت خاطر طراحان این فضاها را نیز به دنبال دارد. اما آیا با اجرای طرح‌های آینده شهری نیز این رضایت تداوم خواهد داشت؟ به عبارت دیگر آیا خوشامد و استقبال مردم از یک فضای طراحی‌شده تصادفی است یا این امر براساس یک فرایند نسبتاً ثابت و قانونمند اتفاق می‌افتد؟ آیا موفقیت‌های یک طراح قابل تکرار است؟ آیا رسیدن به طرح‌های برتر محیطی، از نظر مردم، قواعد و قوانین خاصی دارد؟ این نوشتار سعی دارد به طور فشرده این مبحث را در حد طرح مسئله بازخوانی کند.

واژگان کلیدی: روانشناسی محیطی، شهر، ذهن، شهرسازی.

مقدمه

ممکن است عده‌ای براین باور باشند که در طراحی‌های محیطی باید اجازه دهیم تا طراحان مختلف، با سبک‌ها و نگرش‌های متفاوت، دست به طراحی بزنند و پس از اجرای این طرح‌ها با رجوع به نظر و استقبال مردم، برتری و توانمندی آنها مشخص شود. عده‌ای نیز ممکن است اصولاً نظر و رویکرد خاص مردم در مورد ارزیابی موفقیت یا عدم موفقیت طراحی محیط‌های شهری را موضوعی فرعی یا اساساً غیرقابل توجه تلقی کرده و قضاوت دیگر طراحان حرفه‌ای را به عنوان ملاک ارزیابی هر پروژه طراحی یا برنامه‌ریزی شهری بپذیرا باشند. در این مقاله آن دسته از نظریات مورد توجه است که براساس آنها نظر ناظران و استفاده‌کنندگان اصلی از فضاهای شهری، یعنی مردم غیرمتخصص، باید ملاک موفقیت و عدم موفقیت یک طرح شهری باشد؛ و نیز اینکه طراحی منظر و فضاهای شهری موفق، واجد یک نظام قانونمند است و موفقیت آنها تصادفی نیست.

رابطه روانشناسانه انسان و محیط

انسان از بدو تولد با سامانه عصبی بسیار پیچیده و امکانات خاصی که آفرینش او در اختیارش قرار می‌دهد، اطلاعات و داده‌های دریافتی از محیط اطراف خود را جمع‌آوری، دسته‌بندی و پردازش می‌کند. پس کودک، به‌قول «نوام چامسکی»، با این سیستم و چارچوب از قبل تعیین شده، بر خلاف آنچه که قبلاً تصور می‌شد، در مقابل سیل اطلاعات محیطی، منفعل نیست (چامسکی، ۱۳۷۹؛ براتی، ۱۳۸۲). از سوی دیگر مشخص شده است که تمامی اطلاعات محیطی، در صورت اولیه خود از یک ماهیت واحد برخوردار است که اصطلاحاً به آنها «تکانه‌های عصبی» می‌گویند. در واقع کلیه ورودی‌ها به نظام عصبی انسان یک شکل بوده و این بخش‌های مختلف مغز است که بر اساس شرایط و مأموریت خود، تکانه‌ها را به تصویر، صدا، بو و غیره ترجمه و تفسیر می‌کند (براتی، ۱۳۸۵). این فرایند همان «احساس» است که طی آن داده‌های محیطی به صورت خام دریافت و مغز به تفسیر اولیه آن اقدام می‌کند. اما انسان همچنان که در محیط قرار می‌گیرد، ناچار به دریافت سیل اطلاعاتی و تعبیر و تفسیر آنها نیست.

ادراک و شناخت محیط

زمانی که اطلاعات مختلف انسان را محاصره می‌کند، او منفعلانه آنها را نمی‌پذیرد، بلکه به گزینش آنها می‌پردازد؛ زیرا مغز گنجایش تمامی اطلاعات محیطی، توانایی و انرژی لازم برای چنین کاری را ندارد. باید توجه داشت که هر محیطی براساس یک سری بنیان‌های استوار فرهنگی شکل گرفته است. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که از محیطی که در نظر شهرساز و معمار مطلوب، زیبا و کارآمد قلمداد می‌شود، سایر افراد آن جامعه نیز تعبیر و تفسیری مشابه داشته باشند. زیرا انسان برای معنا دادن و تفسیر اطلاعات محیطی به تجارب و دانش قبلی خود بسیار وابسته است (تی. مک اندرو، ۱۳۸۷).

لازم است بدانیم ادراک محیط مصنوع، به میزان زیادی نسبی است؛ زیرا دانش محیطی امری نسبی است و اگر این نسبیت از چشم ناظر و بهره‌بردار دور بماند، چه بسا تأثیر عناصر محیط موجب برداشت، معنا و رفتاری شود که مورد نظر مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان محیط نبوده است. اما این نسبیت به چه عواملی وابسته است؟

عوامل نسبیت در ادراک محیط

اگر بخواهیم به طور فشرده به مهم‌ترین عوامل ادراک نسبی محیط (به طور کلی) و محیط انسان‌ساخت (به طور خاص) اشاره کنیم، فهرست زیر بدون اولویت به دست خواهد آمد:

۱) **سن اشخاص** کاملاً در نسبیت شناخت و ادراک محیط از سوی آنها مؤثر است. به همین ترتیب و براساس آنچه قبلاً گفته شد، کودکان و نوجوانان که در دوران خطری یادگیری قرار دارند، بسیار بیشتر از دیگران تحت تأثیر محیط قرار گرفته و می‌آموزند. الگوها و انگاره‌های ذهنی، که بعدها به ابزارهای بسیار مهم شناخت محیط تبدیل می‌شوند، در همین دوران شکل می‌گیرند. اما متأسفانه این موضوع در اغلب فرایندهای مدیریت، برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای زیست انسانی فراموش می‌شود.

۲) **جنسیت** نیز در ادراک محیط، نقش غیرقابل انکاری دارد. کلیت و اجزاء محیط توسط مردان و زنان به اشکال متفاوت درک می‌شود. تجربیات جهانی نشان داده است که اولویت‌های زنان و مردان نیز در مورد شناخت و درک محیط زیست متفاوت است. مثلاً وجود امنیت از معیارهای بسیار مهم زنان در ارزیابی محیط است و فرایند ادراک و شناخت آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳) **محیط طبیعی** نیز بر درک محیط تأثیر دارد. افرادی که در محیط‌های طبیعی گوناگون زندگی کرده‌اند، نگاه و تعبیر مختلفی از محیط‌های واحد ارائه داده‌اند. به‌طور مثال در فرایند شناخت و ادراک محیط، بین کسانی که در مناطق بسیار سرد، بسیار گرم، صحراء، کوهستان، سواحل دریا و امثال آنها زیسته‌اند، تفاوت‌های معناداری دیده شده است.

۴) مسلماً **شغل، میزان تحصیلات و تخصص** افراد نیز بر چگونگی درک آنها از محیط تأثیرگذار است. مثلاً نگاه به محیط نزد کسانی که در شهرهای بزرگ زندگی کرده‌اند، نسبت به کسانی که در محیط‌های کوچک زیسته‌اند متفاوت است.

۵) **فرهنگ و زبان** نیز از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرایند ادراک و شناخت انسان از محیط است. زبان و فرهنگ باعث می‌شود که گویش‌وران و اعضای آن، عناصر طبیعی و مصنوع محیط را به گونه‌ای خاص و متفاوت تعبیر کنند. به همین علت بسیار بعید است که یک منظر طبیعی توسط گویش‌وران دو زبان مختلف، مثلاً فارسی و چینی، به یک نحوه درک و تفسیر شود (تصویر ۱ و ۲؛ براتی، ۱۳۸۵).



ناصر براتی

دکتری شهرسازی
عضو هیئت علمی
دانشکده معماری و
شهرسازی دانشگاه
بین‌المللی امام
خمینی



۲: باغ عفیف‌آباد شیراز، مأخذ: آرشیو عکس پژوهشکده نظر، ۱۳۸۸.



محیط زیست آدمی براساس تصادف به وجود نیامده و معلول فرهنگ جوامع است. اگر برنامه‌ریزان و طراحان نسبت محیط و درک آن را نادیده بگیرند، در عمل فرصت آموختن، آموزش دادن، گردیدن و شدن را از مردم گرفته‌اند. اقلیم و طبیعت هر خطه، زبان و فرهنگ ملل، سن و جنس افراد و میزان تحصیلات از جمله عواملی است که در شناخت و ادراک محیط توسط مردم نقش دارد.

با این توضیحات معلوم می‌شود که:

- یک طرح خاص محیط زیست انسانی نمی‌تواند در هر شرایطی با یک پاسخ ثابت از سوی ناظران گوناگون رو به‌رو شود.
- با مراجعه مستقیم به افراد در موقعیت و شرایط خاص (از نظر سن، جنسیت، زبان و ...) می‌توان معیارهای مطلوب برنامه‌ریزی و طراحی محیط زیست ویژه آنها را- با آنان و برای آنان- به دست آورد و به تدریج، به محیط‌های بهتری دست یافت. البته نیازها، نظریات و انتظارات انسان پیوسته در حال تحول است و این بدان معنا است که مجموعه‌ای از معیارهای ثابت و همیشگی وجود ندارد. عوامل تأثیرگذار بر ادراک محیط پیش‌فرض‌های ذهنی را در اختیار افراد قرار می‌دهد که ابزار بسیار مهمی در معنا بخشیدن به محیط محسوب می‌شود. محیط زیست آدمی براساس تصادف به وجود نیامده و معلول فرهنگ آن جامعه است. در جهان امروز، محیط زیست برای افراد آن جامعه فرصتی برای آموختن، آموزش دادن، گردیدن و شدن است. اگر برنامه‌ریزان و طراحان، شیفته توانمندی‌های علمی- فنی خود و روش‌ها، تکنیک‌ها، معیارها و استانداردهای جهان‌شمول شده و نسبت محیط و درک آن را نادیده بگیرند، در عمل این فرصت را از مردم گرفته‌اند. بدون شک این امر خسارات محیطی، روان‌شناختی و فرهنگی عظیمی را به جامعه تحمیل خواهد کرد و بنابراین هر کشوری، بنابر شرایط و مقتضیات خود، چاره‌ای جز دستیابی به معیارها و استانداردهای بومی (منطبق با شرایط فرهنگی- ذهنی مردم خود) در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی محیط مصنوع ندارد.

۱: اصول معماری و باغبانی ایرانی و چینی براساس طبیعت این دو کشور، تجارب، زبان و بنیان‌های فرهنگی دو ملت متفاوت است.

جمع‌بندی

انسان در طول حیات خود تحولات بسیاری را در سامان دادن به محیط زندگی خود پشت سر گذاشته است. یک فرد خاص نیز در طول عمر خود در نگاه به محیط و تفسیر آن دچار تحول می‌شود. با این وجود برنامه‌ریزان و طراحان محیط ناچار به در نظر داشتن مجموعه‌ای از معیارها، استانداردها و اندازه‌ها در کار خود هستند. مطابق آنچه گفته شد، ساماندهی محیط زیست آدمی، در بعد کمی و کیفی با نسبت رو به‌رو است. این نسبت تنها منوط به محیط طبیعی و شرایط اقلیمی نیست، بلکه به میزان بسیار زیادی به جامعه هدف برنامه‌ریزان و طراحان محیط باز می‌گردد. اگرچه برنامه‌ریزی و طراحی محیط بدون توجه به نیازهای واقعی مردم هم امکان‌پذیر است؛ اما با این روش نمی‌توان امیدوار بود که محیط حاصل همان نقشی را در جامعه بازی کند که مورد نظر مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان است.

منابع

- براتی، ناصر (۱۳۸۲) *زبان، تفکر و فضا*، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- براتی، ناصر (۱۳۸۵) *روان‌شناسی محیطی*، جزوه درسی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- مک اندرو، فرانسویس (۱۳۸۷) *روان‌شناسی محیطی*، ترجمه: غلامرضا محمودی، انتشارات زریاب اصل.
- چامسکی، نوام (۱۳۷۹) *زبان و ذهن*، ترجمه: کورش صفوی، انتشارات هرمس.
- Tschen, Rolf (1991) *Le jardin japonais*, printed in Germany, p: 32.

